

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته، استدلال به طائفه سوم از ادله خاصه برای اثبات موسعه در نماز های فائته مطرح شد، طایفه سوم روایات و اخباری هستند که بر جواز نافله چه در فرض اداء و چه در فرض قضاء، برای کسی نماز قضا بر ذمه اش هست، دلالت دارند، روایت اول صحیح ابی بصیر بود که دلالت بر جواز تقدیم نافله ای مربوط به یک نماز فوت شده بر قضای آن نماز دارد، اما اگر قائلان به مضایقه بگویند که نافله ای همان نماز بخشی از آن محسوب می شود، این روایت برای رد نظریه آنان کافی نخواهد بود.

روایت دوم، موثقه عمار ساباطی است، که در جلسه قبل بخشی از آن مورد بررسی قرار گرفت.

ادامه بررسی دلالت موثقه عمار ساباطی بر موسعه

در این روایت امام (علیه السلام) تأکید می کنند پیش از قضای نماز واجب، می توان دو رکعت نافله خواند. این امر نشان دهندهی آن است که وجوب قضا حالتی موسّع دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِكُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَهَا نَافِلَةٌ رَكْعَتَيْنِ إِلَّا الْعَصْرَ فَإِنَّهُ يُقَدَّمُ نَافِلَتُهَا فَيَصِيرَانِ قَبْلَهَا وَ هِيَ الرُّكْعَتَانِ اللَّتَانِ تَمَّتْ بِهِمَا الثَّمَانِي بَعْدَ الظُّهْرِ فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقْضِيَ شَيْئًا مِنَ الصَّلَاةِ مَكْتُوبَةً أَوْ غَيْرَهَا فَلَا تُصَلِّ شَيْئًا حَتَّى تَبْدَأَ فَتُصَلِّيَ قَبْلَ الْفَرِيضَةِ الَّتِي حَضَرَتْ رَكْعَتَيْنِ نَافِلَةً لَهَا ثُمَّ أَقْضِ مَا شِئْتَ [1]

مرحوم مجلسی دو فقره از این روایت را مورد بررسی قرار می دهد، و نسبت به هر کدام از فقرات چهار احتمال مطرح میکند، در جلسه گذشته احتمالات مربوط به فقره «لکل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين» مطرح شد.

اظهار احتمالات در بررسی روایت «لکل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين» همان احتمال اول است. بر اساس این احتمال، هر نماز واجبی دارای دو رکعت نافله مختص به خود است، به جز نماز عصر که نافله مستقلى برای آن در نظر گرفته نشده است، بنابراین هشت رکعت نافله ای که پیش از نماز ظهر خوانده می شود، در واقع به عنوان نافله ظهر محسوب نمی شود، بلکه به عنوان یک نماز مستحبی در آن زمان مشروعیت دارد و نافله ظهر، هشت رکعتی است که پس از نماز ظهر خوانده می شود. از این هشت رکعت، دو رکعت پایانی به نماز عصر اختصاص می یابد.

احتمالات مرحوم مجلسی در مورد ذیل روایت

شاهد محل استدلال، ذیل روایت است، امام (علیه السلام) می فرمایند: « فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقْضِيَ شَيْئًا مِنَ الصَّلَاةِ مَكْتُوبَةً أَوْ غَيْرَهَا فَلَا تُصَلِّ شَيْئًا حَتَّى تَبْدَأَ فَتُصَلِّيَ قَبْلَ الْفَرِيضَةِ الَّتِي حَضَرَتْ رَكْعَتَيْنِ نَافِلَةً لَهَا ثُمَّ أَقْضِ مَا شِئْتَ » و این یعنی اینکه فردی که نماز قضایی بر عهده دارد، می تواند در ابتدا نماز فریضه حاضر را بخواند و پیش از آن نیز نافله مربوط به همان فریضه را به جا آورد.

سپس، پس از اتمام فریضه، هر نمازی که بر عهده‌اش باشد، اعم از قضای واجب یا مستحب، انجام دهد. این ترتیب، یعنی مقدم کردن نافله بر فریضه و سپس پرداختن به قضای نمازها، می‌تواند دلیلی بر مواسعه باشد. مرحوم مجلسی نیز به بیان چهار احتمال در مورد این روایت پرداخته است.

قوله عليه السلام: فإذا أردت أن تقضي شيئاً أقول: هذا أيضا يحتمل وجوها:

الأول: أن يكون المعنى إذا أردت قضاء فريضة أو نافلة في وقت حاضرة، فصل قبل الحاضرة ركعتين نافلة ثم صل الحاضرة، و تكفيك هاتان الركعتان نافلة للقضاء أيضا، ثم اقض بعد الفريضة ما شئت.

الثاني: أن يكون المعنى إذا أردت القضاء في وقت الفريضة، فقدم ركعتين من القضاء لتقوم مقام نافلة الفريضة و آخر عنها سائرهما.

الثالث: أن يكون المراد بالفريضة التي حضرت صلاة القضاء، أي يستحب لكل قضاء نافلة ركعتين.

الرابع: أن يكون المراد بالقضاء الفعل، و يكون المعنى إذا أردت أن تؤدي فريضة أو نافلة، أداء كانت أو قضاء، فالنافلة ليست لها نافلة. و أما الفريضة فيستحب قبلها ركعتان، فينبغي تخصيصها بغير المغرب و العيد.

و يحتمل وجوها أخرى لا يسع المقام ذكرها، و لا يخفى ما في كلها من التعسف و الاختلال، و الله أعلم بحقيقة الحال.[2]

احتمال اول

اگر فرد بخواد قضای نماز واجب یا مستحب را بهجا آورد، باید پیش از خواندن نماز حاضره (فريضة) دو رکعت نافله بخواند. این دو رکعت نافله می‌تواند جای قضای نافله نیز باشد. به این ترتیب، فرد ابتدا دو رکعت نافله مختص به فريضة می‌خواند، سپس نماز حاضره را بهجا می‌آورد و در نهایت هر نماز قضایی که بخواد انجام می‌دهد. این احتمال به نوعی به تداخل قهری میان نافله فريضة و قضای نافله اشاره دارد.

احتمال دوم

این احتمال عکس احتمال اول است. بر اساس این نظر، فرد ابتدا دو رکعت نماز قضای نافله را می‌خواند و این دو رکعت جای نافله فريضة را می‌گیرد. سپس نماز فريضة را ادا کرده و باقی نمازهای قضا را پس از آن بهجا می‌آورد. به عبارت دیگر، در این حالت دو رکعت قضای نافله جای نافله فريضة را می‌گیرد.

احتمال سوم

در این احتمال، مراد از فريضة، فريضة حاضر نیست بلکه صلاة القضا است. بر این اساس، روایت می‌خواهد بگوید که برای هر نماز قضایی مستحب است که دو رکعت نافله پیش از آن خوانده شود. نظیر نماز تحیت مسجد که پیش از نماز اصلی مسجد خوانده می‌شود، برای هر نماز قضایی نیز دو رکعت نافله مستحب است. این احتمال اگرچه قابل طرح است، اما به دلیل عدم تطابق کامل با متن روایت، خلاف ظاهر به نظر می‌رسد.

احتمال چهارم

در این احتمال، عبارت «أن تقضي» به معنای تفعل (انجام دادن) تفسیر می‌شود، نه صرفاً قضای در برابر ادا. بر این اساس، اگر فرد بخواد نماز واجب یا مستحب، ادا یا قضا را بخواند، باید ابتدا دو رکعت نافله بخواند. این احتمال به گونه‌ای است که

معنای صدر روایت نیز روشن می‌شود؛ جایی که گفته شده «لکل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين»، به این معنا که هر نماز واجبی دو رکعت نافله مختص خود دارد، اما نمازهای مستحب چنین نافله‌ای ندارند. در ذیل روایت نیز همین معنا تکرار شده و روش انجام نماز مکتوبه را توضیح می‌دهد: ابتدا دو رکعت نافله خوانده شود، سپس نماز مکتوبه به‌جا آورده شود.

مرحوم مجلسی هیچ کدام از این احتمالات را مطابق ظاهر روایت نمی‌داند، اما در واقع نظر صحیح این است که احتمال‌های اول تا سوم مخالف ظاهر روایت است ولی احتمال چهارم، به دلیل سازگاری با صدر روایت و شفافیت معنایی، اظهر احتمالات است و مفاد صدر روایت را نیز به‌خوبی تبیین می‌کند.

نظر استاد در مورد استدلال به موثقه عمار

مرحوم صاحب جواهر و مرحوم مجلسی، عبارات این روایت را مضطرب دانستند فلذا استدلال به این روایت از نظر ایشان تمام نیست، اگرچه بعضی از روایاتی که روای آنها عمار است از لحاظ الفاظ مضطرب هستند اما این به معنای ردّ مطلق تمامی روایات عمار نیست، بلکه باید با دقت در متن و محتوای روایت بررسی شود.

در مورد صدر روایت؛ بر اساس مطالب مذکور، عبارت «لکل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين إلا العصر» به این معناست که هر نماز واجبی دو رکعت نافله مختص به خود دارد، به جز نماز عصر که نافله مختص ندارد. در نماز عصر، دو رکعت از نافله ظهر به عنوان نافله عصر کافی دانسته می‌شود. این تفسیر صدر روایت را روشن و قابل فهم می‌سازد.

در مورد ذیل روایت نیز عبارت «إذا أردت أن تقضى شيئاً من الصلاة مكتوبة أو غيرها» نیز توضیح می‌دهد که اگر فرد قصد انجام نماز (اعم از واجب یا مستحب) را دارد، باید پیش از فریضه، دو رکعت نافله مختص به آن فریضه بخواند. این بخش تأکید می‌کند که نافله فریضه وجود دارد، اما خود نافله دیگر نیازی به نافله اضافی ندارد.

بنابراین، تفسیر این روایت بر مبنای ترتیب نمازهای واجب و مستحب و جایگاه نافله، به خوبی با صدر و ذیل روایت سازگار است و در چارچوب قواعد فقهی قرار می‌گیرد.

البته این اشکال به استدلال به این روایت وارد است که بعضی از اهل مضایقه می‌گویند اگر نماز واجبی مانند نماز صبح قضا شد، نافله آن نماز می‌تواند قبل از قضای خود نماز واجب به‌جا آورده شود. به عبارت دیگر، دو رکعت نافله مختص به نماز صبح را می‌توان در وقت قضای نماز صبح، قبل از قضای آن، به عنوان بخشی از همان عمل عبادی به‌جا آورد. در این صورت، این روایت قابلیت استدلال به مواسعه را نخواهد داشت.

استدلال به اطلاق ادله نوافل ادائاً و قضاءً

صاحب جواهر در ادامه به دلیل دیگری اشاره می‌کند و می‌فرماید:

و إطلاق أدلة النوافل أداء و قضاء، و التأكيد البالغ الوارد فيها كإطلاق ما ورد من الأدلة في استحباب كثير من الصلوات في كثير من الأمكنة و الأوقات و لقضاء الحوائج و المهمات و غير ذلك مما لا يمكن إحصاؤه كما لا يخفى على الخبير الماهر، بل قد يشرف طمع نظر الفقيه مع التأمل و التدبر في الأدلة الواردة على الظن المتأخّر للعلم إن لم يكن العلم بعمومها لمن عليه فائتة و غيره خصوصاً في بعضها مثل قضاء النوافل الوارد فيه الأمر بفعله أي ساعة شاء من ليل أو نهار و غيره، فلاحظ و تأمل [3]

مرحوم صاحب جواهر تأکید می‌کند که اطلاق ادله النوافل حتی شامل کسانی که نماز قضا دارند نیز می‌شود و تأکیدات وارد شده در این روایات مانند اطلاق روایات مستحب بودن بسیاری از نمازها در مکان‌ها و اوقات مختلف نیز بر این مطلب دلالت دارد.

برای مثال، هنگامی که مکلف به حرم امام معصوم علیه السلام می رود، روایاتی وجود دارد که می گوید در چنین مواقعی باید دو رکعت نماز بخواند و این روایات اطلاق دارد، یعنی حتی اگر مکلف بر عهده اش نماز قضا باشد، باز هم می تواند این نماز را بخواند.

صاحب جواهر می فرماید که اگر فقیه در این روایات تدبر کند، به ظنّ متأخّم به علم می رسد. یعنی این روایات آن قدر عمومی و معتبرند که فقیه می تواند به ظنّ نزدیک به علم برسد که حتی کسی که نماز قضا دارد، می تواند این نافله ها را بخواند.

نکته ای که ذکر آن ضروری است این است که در واقع، حجیت اصول لفظی مانند «اصالة العموم»، «اصالة الاطلاق» و «اصالة عدم التخصيص» منوط به ظنّ قطعی فقیه نیست، لذا مراد صاحب جواهر در اینجا این است که وقتی فقیه به اطلاق این روایات توجه می کند علم یا حداقل ظنّی نزدیک به علم دست می یابد که این روایات شامل کسانی که فائده به گردن آنها است نیز می شود.

در ادامه، صاحب جواهر به اطلاق روایات استحباب اقامه صلاة تطوعاً اشاره می کند و اینکه این روایات شامل کسی که نماز قضا دارد، نیز می شود.

استناد به روایات نوم النبی (صلی الله علیه وآله)

یکی از روایاتی که مرحوم شیخ انصاری در ابتدا به آن استناد می کند، مربوط به داستان خواب ماندن پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از نماز صبح تا طلوع آفتاب است. این روایت را هم علمای عامه و هم خاصه نقل کرده اند. در این روایت آمده است که پیامبر اکرم (ص) از نماز صبح خواب ماندند تا اینکه خورشید طلوع کرد. پس از بیدار شدن، ابتدا نماز نافله صبح را قضا کردند و سپس نماز قضای صبح را به جا آوردند.

این عمل پیامبر اکرم (ص) دلالت بر این دارد که حتی برای کسی که نماز قضا بر عهده دارد، قضای نافله نیز جایز است و مانعی ندارد.

بحث نوم النبی و این روایات جای تأمل جدی دارد. مرحوم شیخ انصاری و همچنین صاحب جواهر در این موضوع به تفصیل سخن گفته اند. خصوصاً صاحب جواهر، با تکیه بر اعتقاد محکم خود به مقام عصمت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام)، این مسئله را به خوبی شرح داده است و تأکید می کند که این عمل پیامبر (ص) مطابق با اصول شریعت و حکمت الهی بوده و هیچ خللی به مقام عصمت وارد نمی کند.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، ج 4، ص 284.
- [2] مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار»، ج 4، ص 353.
- [3] صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، «جواهر الکلام (ط. القدیمة)»، ج 13، ص 68.

منابع

حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، 1416.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام (ط. القدیمة)، بیروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.

مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، ملاذ الأخبار في فهم تهذيب الأخبار، قم - ايران، كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، 1406.